

علمی مروری

ازدواج از دیدگاه شهید مطهری (ره)

هادی همتیان^۱ و محمدمهدی صفورایی پاریزی^۲

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر تبیین دیدگاه‌های شهید مطهری از مسائل اصلی ازدواج به روش توصیفی تحلیلی با استفاده از مجموعه آثار ایشان است. استفاده از دیدگاه‌های ایشان در مورد ازدواج به‌عنوان مبانی در دانش مشاوره اسلامی کارآمد و حائز اهمیت است. ازدواج از دیدگاه شهید مطهری پیمانی است میان زن و مرد در جهت قبول کردن یک سلسله تعهدات و مسئولیت‌ها که از دو سازه اصلی «تکلیف و مسئولیت» و «حق بهره‌مندی» تشکیل شده است. مسئله ازدواج در نگاه ایشان از جهات متعددی حائز اهمیت است؛ نخست حفظ هویت و حرمت انسان و به‌طور خاص زن در جامعه؛ دوم ازدواج همچون سدی مانع از سقوط انسان در دره فحشا و زشتی‌ها می‌شود؛ سوم ازدواج انسان را از خودخواهی و خودکامگی نجات می‌دهد؛ چهارم ازدواج کانون پرورش و تربیت انسان‌هاست. در نگاه شهید مطهری فلسفه ازدواج در تربیت روحی و رشد اخلاقی، حفظ نسل و ایجاد مودت بین همسران خلاصه می‌شود. مهمترین کارکردهای ازدواج ایجاد آرامش و طمأنینه (روان‌شناختی)، امنیت و آرامش (اجتماعی) و ساخته‌شدن و تهذیب نفوس انسانی (اخلاقی) است. تنها ملاک ضروری برای ازدواج «ایمان» است و سایر ملاک‌ها به‌تناسب ایمان مطرح می‌شوند. در نگاه ایشان مهریه، هدیه‌ای از طرف مرد به‌عنوان عاشق به معشوق خویش است؛ چنانچه خواستگاری مرد از زن را مطابق فطرت و تدبیری عاقلانه برای حفظ حرمت زن می‌داند.

واژگان کلیدی: ازدواج، فلسفه ازدواج، مبانی مشاوره اسلامی، شهید مطهری.

۱- استاد حوزه علمیه قم، مشاوره خانواده، مدرسه امام خمینی (ره)، hadavis@yahoo.com

۲- دانشیار روانشناسی تربیتی جامعه المصطفی العالمیه؛ مدیر گروه روانشناسی مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی جامعه المصطفی العالمیه، safurayi@gmail.com

مقدمه:

ازدواج مسئله‌ای است که از جهات مختلف در دانش‌های گوناگون؛ همچون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فقه و حقوق مورد توجه است؛ به طور نمونه ازدواج در دانش مشاوره در مباحث مشاوره پیش از ازدواج، مشاوره همسران در هنگام زندگی و مشاوره طلاق و پس از زندگی مشترک مطرح است. ازدواج در فرهنگ ایرانی - اسلامی یک امر الهی و پیمانی مقدس محسوب شده که زمینه‌ای برای برطرف شدن نیازهای جسمی - روانی است و موجب تأمین سلامت، بقای نسل، رشد و کمال همسران می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۳۱/۱). خداوند در قرآن کریم «مودت» و «رحمت» را دو هدیه الهی به همسران معرفی می‌کند و می‌فرماید که همسرانی را از جنس خودتان آفریدیم تا به آرامش برسید (روم: ۲۱). در آموزه‌های دینی، برخورداری از سکون و آرامش، داشتن فرزندان صالح، مودت و رحمت، ارضای غریزه جنسی، پاک‌دامنی و عفاف، حفظ نوع بشر، توسعه رزق و بازداشتن از گناه از ویژگی‌های منحصر به فرد ازدواج بیان شده است (کهف: ۴۶؛ مجلسی، بی تا: ۱۱۷/۷۹). در پژوهش حاضر، ازدواج با توجه به دانش مشاوره و با رویکردی روان‌شناختی با استفاده از نظرات شهید مطهری (ره) مورد نظر قرار می‌گیرد.

ازدواج در دوران کنونی و در جوامع غربی حداقل از دو جنبه دچار انحراف شده است. جنبه نخست مربوط به اصل ماهیت ازدواج است که با مواردی همچون ازدواج سفید، ازدواج همجنس‌گرایان و ازدواج بدون تعهد اخلاقی دچار چالش جدی شده است و دوم کارکرد مثبت ازدواج است که عواملی همچون فرهنگ، اقتصاد و نداشتن مهارت‌های زندگی آن را تحت تأثیر قرار داده است و به طور طبیعی دانش مشاوره خانواده و زوج‌درمانی متصدی حل چنین مشکلاتی است؛ اما شوربختانه نظریه‌های مشاوره خانواده و زوج‌درمانی امروزه تحت سیطره مبانی و اصول اومانیسیم و دیگر مکتب‌های فلسفی دچار خطاهای زیادی شده‌اند؛ از این رو نیاز دانش مشاوره به مبانی و حیانی و آسمانی به طور محسوسی بیش از پیش دیده می‌شود. شهید مطهری به عنوان اسلام‌شناسی خیره و آشنا به مبانی و اصول اسلامی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی مطرح است؛ ایشان به مباحثی پیرامون ازدواج نیز پرداخته است که به عنوان مبانی و اصول برای دانش مشاوره اسلامی به کار می‌آیند؛ از این رو مسئله اصلی پژوهش حاضر تبیین مسائل ازدواج با استفاده از نظرات شهید مطهری در مجموعه آثار ایشان است.

بیان آرا و نظریات شهید مطهری از جهات مختلفی حائز اهمیت است؛ نخست: اختلاف دیدگاه اسلام با رویکردهای غربی مشاوره در مبانی، اصول و برخی تکنیک‌هاست. دوم: نیاز مشاوران خانواده در جامعه اسلامی به شناخت درست از مبانی و اصول مورد نیاز برای مشاوره است. سوم: ارائه دیدگاه‌های اسلام در برابر نظریه‌های غربی و تبلیغ معارف آسمانی اسلام است؛ چنانچه ضرورت مسئله را می‌توان در پیامدها و آثار آن نیز جستجو کرد.

بر اساس بررسی‌های انجام شده، پژوهشی که به طور خاص به نظرات شهید مطهری در مورد ازدواج بپردازد، یافت نشد؛ از این رو پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی و به وسیله بررسی

آثار مکتوب شهید مطهری به صورت کتابخانه‌ای به مطالعه موضوع پرداخته است. دستاورد پژوهش حاضر را می‌توان نگاه دقیق و جزئی به مسائل ازدواج از دیدگاه شهید مطهری دانست که به‌عنوان مبانی و اصول در دانش مشاوره اسلامی به کار می‌آیند؛ براین اساس سعی می‌شود با پاسخ به پرسش‌های زیر: ۱. شهید مطهری در مورد ماهیت، فلسفه، اهداف، کارکردها و ملاک‌های ازدواج چه دیدگاهی دارد؟؛ ۲. شهید مطهری در مورد تناسب و کفویت، شرایط و آمادگی برای ازدواج چه دیدگاهی دارد؟؛ ۳. شهید مطهری در مورد خواستگاری، مهریه و ازدواج موقت چه دیدگاهی دارد؟- سؤال اصلی این نوشتار که دیدگاه شهید مطهری در مورد ازدواج چگونه است؟ پاسخ داده شود.

ماهیت ازدواج

ازدواج در لغت از ماده زوج و به معنای جفت ساختن و با یکدیگر جفت و قرین شدن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۹۷۹/۲) و در اصطلاح، پیمان زناشویی است که براساس آن برای مرد و زن در برابر هم، تعهدات اخلاقی و حقوقی پدید می‌آید. از دیدگاه شهید مطهری ازدواج پیمانی است میان زن و مرد در جهت قبول کردن یک سلسله تعهدات و مسئولیتها (مطهری، ۱۳۹۶: ۱۶/۴؛ مطهری، ۱۳۹۲: ۱۱۹/۳)؛ از این رو مولفه‌هایی که به عنوان مبنا در دانش مشاوره اسلامی از ازدواج مورد توجه قرار می‌گیرد، بدین قرار است: نخست، پیمان و عهد دو طرفه از زن و مرد در امری چون محبت، عشق، عاطفه، حمایت و برطرف کردن نیازهای جسمی و روانی؛ دوم ایجاد مسئولیت؛ در نگاه شهید مطهری ازدواج تعهدی مسئولیت آور است که بر اساس آن وظایفی اخلاقی و حقوقی برای دو طرف پدید می‌آید.

شهید مطهری در تبیین ماهیت ازدواج سه نظریه را مطرح می‌کند؛ نخست اینکه ازدواج حق هر کدام از زن و مرد است؛ از این رو جلوگیری از ازدواج یک دختر یا یک پسر، به معنای محروم کردن یک انسان از حق طبیعی و فطری خودش است. از آن جا که وجود هریک از زن و مرد برای دیگری نعمت است و لازمه بهره‌مندی هر دو جنس از یکدیگر ازدواج است؛ پس ازدواج حق هر کدام از زن و مرد است. صاحبان این دیدگاه ماهیت ازدواج را تشکیل یک شرکت در بهره‌مندی از حقوق می‌دانند (مطهری، ۱۳۹۹: ۴۷).

نظریه دوم ماهیت ازدواج را تکلیفی بر عهده زن و مرد می‌داند. بر اساس این دیدگاه، ازدواج تکلیف و مسئولیتی اجتماعی درباره نسل آینده است. جریان عالم طبیعت، بر فرزندآوری و تولید نسل می‌چرخد؛ دیگران ازدواج کردند تا نسل کنونی به وجود آمد، نسل کنونی نیز باید ازدواج کند تا آیندگان به وجود آیند؛ پس ازدواج تکلیفی بر عهده زن و مرد امروزی برای بقای نوع انسانی است؛ بر اساس این دیدگاه مسئله تولید فرزند در ازدواج اصالت دارد و اساساً غریزه جنسی و عواطف جنسی در وجود انسان، مقدمه دوام نسل بوده و از توابع ازدواج محسوب نمی‌شود؛ برخلاف دیدگاه نخست که ازدواج مقدمه‌ای برای تولید فرزند محسوب می‌شد؛ بدین صورت که اصل و ماهیت ازدواج حق لذت بردن بیشتر از زندگی برای زن و مرد است و

فرزندآوری از آن جا که به این زندگی لذت و رونق و جلال و زیبایی و شکوه بیشتری می‌دهد از پیامدهای ازدواج محسوب شده که زن و مرد حق دارند اگر دوست داشتند تولید فرزند کنند؛ مانند یک شرکت که هر کاری که دلش بخواهد با سرمایه خود می‌کند و کاری را که نخواست انجام نمی‌دهد؛ شوپنهاور بر اساس این دیدگاه می‌گوید: «این لذت را طبیعت به کام تو ریخته است برای اینکه تو را مجبور به انجام وظیفه کند؛ اگر فقط تکلیفی بدون لذت بود نسل بشر باقی نمی‌ماند» (مطهری، ۱۳۹۹: ۵۱).

نظریه سوم بر این استوار است که ماهیت ازدواج از جهتی حق و از جهت دیگر تکلیف است؛ ولی روح و طبیعت ازدواج را تکلیف تشکیل می‌دهد. بر اساس این دیدگاه نظریه دوم بخشی از ماهیت ازدواج را به درستی مطرح کرده است که ازدواج مسئولیتی است که دستگاه حکیمانه خلقت در متن عالم خلقت برای همه انسان‌ها نسبت به آیندگان قرار داده است و درعین حال حقی برای بهره‌مندی زن و شوهر از یکدیگر نیز قرار داده است؛ از این رو دو حقیقت در متن ازدواج وجود دارد؛ نخست، «تکلیف» و دیگری «حق بهره‌مندی» است؛ البته ماهیت و روح ازدواج را تکلیف شکل می‌دهد؛ ولی برای اینکه تکلیف به‌خوبی و با علاقه‌مندی انجام شود، حق بهره‌مندی هم به انسان داده شده است. شهید مطهری این نظریه را مطابق با نظریه اسلام می‌داند که ازدواج را در کنار حق بهره‌مندی زن و شوهر از یکدیگر تکلیفی می‌داند (مطهری، ۱۳۹۹: ۴۷-۵۴).

از نظر اسلام رابطه و علقه میان همسران رابطه‌ای طبیعی است که مکانیسم خاص خود را دارد. علاقه همسران به یکدیگر با اینکه دو طرفه است به این شکل است که اظهار آن از طرف مرد آغاز می‌شود و علاقه زن به مرد از نوع پاسخگویی است؛ از این رو جایگاه زن در محیط خانوادگی جایگاه یک محبوب و مراد است. اسلام تدابیری را بواسطه عواطف بکار می‌برد تا نظام خانواده بر همین پایه ارتباط عاشقانه، محفوظ بماند؛ به صورتیکه شعله عشق و علاقه مرد همیشه روشن بوده و زن نیز پاسخگوی به آن باشد؛ آنچه از نظر اسلام ناپسند است، کم فروغ شدن شعله عشق و سرد شدن کانون خانواده است. اساس روابط خانواده بر حاکمیت متقابل زن و مرد است؛ حاکمیت زن بر مرد از لحاظ عاطفی و احساسی و حاکمیت مرد بر زن از لحاظ فکری و رهبری و مدیریت در محیط خانواده (مطهری، ۱۳۸۸: ۱۶۸).

شهید مطهری ازدواج را یک حقیقت فطری و طبیعی در مقابل یک حقیقت جعلی و قراردادی می‌داند و در نقد سخن روسو که ازدواج را یک قرار داد اجتماعی می‌داند به ابطال دیدگاه‌های مشابه قبل از زمان روسو می‌پردازد؛ به طور نمونه به دیدگاه افلاطون در اشتراک جنسی اشاره می‌کند که قبل از طرفدار پیدا کردن و اجرا شدن از طرف خود افلاطون مردود شناخته شد و یا سخن مزدک راجع به اشتراک جنسی را مطرح می‌کند که در همان دوران، طرفداری پیدا نکرد و مردود شد و یا به دیدگاه کمونیسیم معاصر می‌پردازد که در ابتدا ابراز اشتراک جنسی برای افراد جامعه کرد ولی بعد دید با فطرت بشر ناسازگار است و از آن عدول کرد؛ بنابراین نظریه

اختصاص جنسی یک امر طبیعی و فطری است نه یک امر قراردادی؛ حتی اگر موضوع اجتماعی بودن انسان، قراردادی باشد، حکم اجتماع به خانواده سرایت نمی‌کند و طبیعی و فطری بودن خانواده و نظریه اختصاص جنسی را مورد خدشه قرار نمی‌دهد؛ از این رو چون ازدواج مسئله‌ای طبیعی و فطری است، چاره‌ای نیست جز اینکه مانند سایر مسائل مربوط به طبیعت و فطرت خدادادی، فطرت ملاک و معیار ازدواج و زندگی خانوادگی قرار گیرد (مطهری، ۱۳۹۹: ۵۷-۶۳).

از دیدگاه شهید مطهری ازدواج یک قرارداد اجتماعی برای برطرف کردن نیازها توسط زن و مرد نیست؛ بلکه چیزی بالاتر از قرارداد دوطرفه جهت برطرف کردن نیازهای جنسی و عاطفی است؛ علاقه انسان به همسر قانونی بسیار بالاتر از علاقه جنسی است؛ شبیه علاقه‌ای که مردی به طور موقت به زنی پیدا می‌کند تا غریزه جنسی خود را برآورده کند، نیست. رابطه مرد با زن و زن با شوهر خود از قبیل روابطی برای رفع نیازهای شخصی نیست؛ بلکه واقعاً طرحی از اتحاد و یگانگی در روان زن و مرد ریخته شده که شبیه علاقه پدر به فرزند است. ازدواج واقعاً پیمان دو روح است؛ نه همکاری به صورت شرکت (مطهری، ۱۳۹۸: ۶۰).

اهمیت ازدواج

از دیدگاه شهید مطهری ازدواج از جهات متعددی حائز اهمیت است؛ نخستین جهت حفظ هویت، حرمت، جایگاه و ارزش زن و مرد در جامعه انسانی بلکه بالاتر در نظام هستی است. ازدواج تعهدی دوطرفه است که به موجب آن ارزش و قیمت زن در جامعه حفظ می‌شود و به مثابه یک موجود ارزشمند و گران بها با او برخورد می‌شود. به جهت اختصاصی که ازدواج برای زنان نسبت به مردان خود پدید می‌آورد، استفاده‌های ابزاری و پیش‌پاافتاده از زنان منتفی می‌شود؛ دیگر در اماکن عمومی زن وسیله برآورده شدن نیازهای مردان دیگر نمی‌شود و سو استفاده‌هایی همچون تماشا کردن و چشم‌چرانی، شنیدن موسیقی صدای زن و لمس کردن و سایر بهره‌وری از زن به طور کلی از بین می‌رود. در جامعه‌ای که زن به عنوان کالایی عمومی عرضه شود ارزش ذاتی خود را از دست می‌دهد و دیگر موجود گران‌بهایی نیست؛ ممکن است دارای کمالات زیادی همچون دانش، هنر و تخصص باشد؛ به طوری که بتواند معلم حاذقی باشد؛ ولی از آنجاکه حرمت او حفظ نشده و ارزان در اختیار جامعه قرار داده شده است، ارزش و جایگاه، عزت و احترام اصلی خود را از دست داده و به شکلی ملعبه دست برخی از مردان هوسران شده است (مطهری، ۱۳۹۹: ۵۴).

در قرآن کریم برای حفظ هویت، جایگاه و ارزش زن، مسئله عفاف و پاکدامنی به وسیله ازدواج مطرح شده است (مطهری، ۱۳۹۶: ۱۳/۴). عفاف و پاکدامنی از قوانین تغییرناپذیری است که مقتضیات زمان هرگز نمی‌تواند آن را تغییر دهد و در حقیقت جزء اصول تغییرناپذیر زندگی بشر است (مطهری، ۱۳۹۶: ۲۱/۴). عفاف و پاکدامنی درست در جهت عکس آنچه انسان امروزی بدان فکر می‌کند و در جهت آسان کردن و ناچیز شمردن روابط جنسی حرکت می‌کند و به غلط اسمش را «آزادی جنسی» می‌گذارد، قرار دارد. قرآن کریم حریم‌های عفاف را مطرح

می‌کند و در همین راستا به مجازات‌های بی‌عفتی و مجازات‌های مربوط به بردن آبروی زنان پاکدامن می‌پردازد و مسائل مربوط به عفاف را بسیار بسیار جدی و با عنوان «فرض» مطرح می‌کند (مطهری، ۱۳۹۶: ۱۳/۴).

شهید مطهری اهمیت ازدواج از منظر اسلام را چنین تبیین می‌کند که اسلام برای زن، شخصیت، ارزش و گران‌بها بودن را می‌خواهد. چنین خواسته‌ای در پرتو عفاف و پاکدامنی برای زن محقق می‌شود؛ البته نتایج دیگری همچون سلامت روانی افراد جامعه و تقویت کانون خانواده نیز بر اثر ازدواج پدید می‌آیند. از نظر اسلام گران‌بها بودن زن به این است که بین او و مرد در حدودی که اسلام مشخص کرده، حریم باشد؛ یعنی اسلام اجازه نمی‌دهد که جز کانون خانواده در صحنه اجتماع، موقعیتی برای بهره‌برداری و التذاذ جنسی مرد از زن پدید آید؛ چه به صورت نگاه کردن به بدن و اندامش، چه به صورت لمس کردن بدنش، چه به صورت استشمام عطر زنانه‌اش و یا شنیدن صدای پایش. اسلام برای زن شخصیت می‌خواهد نه ابتدال (مطهری، ۱۳۸۱: ۳۷۵/۱).

دومین جهت از اهمیت ازدواج مانع شدن آن از سقوط انسان در دره فحشا و زشتی‌هاست. ازدواج مانند قلعه‌ای است که از فساد اخلاقی جلوگیری می‌کند؛ از این‌رو از نظر اسلام امری مقدس است. پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در این‌باره می‌فرمود: «... فَحَصَّنُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ». حصن یعنی حصار و محافظ. فرزندان، یعنی پسران و نیز دختران خود را در حصار ازدواج قرار دهید؛ بنابراین ازدواج در محافظت و صیانت اخلاقی از اهمیت بالایی برخوردار است (مطهری، ۱۳۹۹: ۵۵).

جهت دیگری که بسیار اهمیت ازدواج را نشان می‌دهد نقش ازدواج در خروج از خودخواهی و رسیدن به جایگاه دگرخواهی در نظام رفتارهای اجتماعی است. از دیدگاه شهید مطهری پایه و اساس ارزش اخلاقی خروج از خودخواهی و خودکامگی و خودپرستی است. رفتار اخلاقی رفتاری است که بر اساس غیرخواهی انجام شود. انسان اگر کاری را فقط برای خود انجام دهد، کارش اخلاقی نخواهد بود؛ ولی اگر آن کار را برای غیر خود انجام دهد، اسم آن می‌شود اخلاق خوب. ازدواج قدمی است که انسان را از خودخواهی به غیرخواهی پیش می‌برد. جوانی که تازه ازدواج کرده احساس می‌کند به سرنوشت همسرش همان قدر علاقه‌مند است که به سرنوشت خود علاقه دارد و از آن‌پس، محور علاقه و فعالیت او دوجته می‌شود؛ بلکه بعد از فرزنددار شدن، محور علاقه چند جهتی می‌شود؛ یعنی عواطف انسان از حدود خودخواهی و خودپرستی گذشته و به غیرخواهی می‌رسد. یک جوان که ممکن است در زندگی مسئولیتی در مقابل غیر احساس نکرده باشد همین که ازدواج می‌کند، در می‌یابد، مسئولیتی در مقابل دیگری پیدا کرده است و می‌فهمد که با ازدواج، مسئولیتی بر دوش او آمده است (مطهری، ۱۳۹۹: ۵۵).

جهت چهارم در اهمیت ازدواج این است که ازدواج، تشکیل یک کانون فرهنگی است؛ کانونی از نوع آموزش و پرورش نسل آینده. جنس کانون‌های فرهنگی در جامعه از ارزش بالایی نزد تک‌تک

افراد جامعه برخوردارند؛ به طور نمونه در میان مسلمانان وقتی کسی وارد مسجدی می‌شود احساس می‌کند که به کانون مقدسی وارد شده است؛ زیرا آنجا را محل تعالی روح و تزکیه اخلاق می‌داند؛ یا وقتی وارد مدرسه‌ای شود که به طور واقعی کانون تربیت باشد، احساس می‌کند که به کانون مقدسی وارد شده است و به طور طبیعی آن کانون‌های فرهنگی را مقدس می‌داند؛ ازدواج هم مانند مسجد و مدرسه مقدس است؛ زیرا در کانون خانواده هدف اصلی تربیت و پرورش نسل آینده است. خانواده، اولین کانون آموزش و پرورش است که مانند و بدل ندارد. این کانون، دامن پدر و مادر است که در هیچ جای دیگر نظیرش نیست (مطهری، ۱۳۹۹: ۵۴-۵۸).

فلسفه و اهداف ازدواج

مقصود از هدف، وضعیت مطلوبی است که به طور آگاهانه سودمند تشخیص داده شده و برای تحقق آن تلاش می‌شود (اعرافی، بهشتی، فقیهی، و ابو جعفری، ۱۳۹۷: ۵)؛ ولی در «علت یا فلسفه» نسبت به انتخاب آگاهانه، تلاش هدفمند و تأثیر اراده‌ی انسانی در تحقق آن هیچ توجهی نیست؛ یعنی علت وقوع یک پدیده می‌تواند عاملی غیرانسانی باشد؛ در حالیکه اهداف همیشه با اراده نیرویی انسانی و هدفدار محقق می‌شوند. اهداف ازدواج با تلاش انسان‌هایی که ازدواج نموده اند فراهم می‌شوند؛ در حالی که وقتی از علل تشریح ازدواج سخن گفته می‌شود، توجهی به اراده‌ی انسانی در تأمین آن‌ها نیست؛ به عنوان مثال چه بخواهیم و چه نخواهیم فلسفه‌ی ازدواج، پاسخ به ندای فطرت و تأمین آرامش است (زینتی، ۱۳۸۴).

تربیت روحی نخستین مفهوم در فلسفه ازدواج از دیدگاه اسلام است. در نگاه اسلامی هیچ عامل تربیتی در رشد و تعالی روانی انسان جای پذیرفتن مسئولیت و تعهد بر اساس ازدواج را نمی‌گیرد. شهید مطهری در تبیین جنبه تربیتی ازدواج چنین می‌گوید: «یک نوع پختگی و یک نوع کمال برای روح انسان وجود دارد که جز به وسیله تأهل پیدا نمی‌شود؛ یعنی اگر یک مرد یا یک زن تا آخر عمر مجرد بماند ولو اینکه تمام عمرش را ریاضت بکشد، نماز بخواند، روزه بگیرد، به مراقبه و مجاهده با نفس بگذراند، در عین حال یک نوع خامی در روح این آدم مجرد هست و علتش این است که متأهل نشده است» (مطهری، ۱۳۹۲ الف: ۱۷۱)؛ بنابراین ماهیت ازدواج ماهیتی سازنده است که انسان را از خودخواهی به دگرخواهی رشد می‌دهد و او را از لاک خودپرستی خارج می‌کند.

دومین مفهوم در فلسفه ازدواج حفظ نسل و تربیت و پرورش روحی فرزندان است. از نظر اسلام هیچ کانون دیگری جایگزین کانون خانواده در تربیت فرزندان نمی‌شود. از مواردی که موجب تباهی بشریت می‌شود، پاشیدن کانون خانواده و جداسدن بچه‌ها از دامن پدرها و مادرها است؛ بدین صورت که از خانواده گرفته شوند و بنا بر فرضیه راسل به دولت سپرده شوند و بنا بر آنچه در اروپا عمل می‌شود و کم و بیش در بین ما هم رواج یافته است بچه‌ها را به پانسیون‌ها و پرورشگاه‌ها و بالاخره دامنی غیر از دامن والدین بسپارند تا آنها را پرورش دهند. قرآن به حکم

فطرت می‌گوید: دامن مادر برای تربیت فرزند ساخته شده است و جانشینی ندارد و دامن پدر نیز برای ساختن و تربیت فرزند به وجود آمده است و جانشینی ندارد.

ایجاد مودت، سومین مفهوم در فلسفه ازدواج است. قرآن کریم ازدواج را پیوندی بالاتر از شهوت در روابط همسران بیان می‌کند که آن را «مودت» نامیده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱)؛ تعبیر «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» یعنی قلب و روحتان به آن آرام بگیرد. این مهربانی غیر از شهوت است؛ چنانچه مولوی در این باره چنین می‌سراید:

زُین للناس حق آراستست زانچ حق آراست؛ چون تانند جُست

چون بی بسکن الیهاش آفرید کی تواند آدم از حوا برید

معنای شعر این است که در زندگی خانوادگی غیر از مسئله تولید نسل و غیر از مسئله اطمینان پدری و غیر از مسئله تربیت فرزندان، یک امر فطری دیگر هم وجود دارد و آن به تعبیر امروز «بگانگی دو روح با یکدیگر» است (مطهری، ۱۳۹۹: ۳۸-۴۲).

کارکردهای ازدواج

مهمترین کارکردهای ازدواج را می‌توان در سه دسته کارکردهای روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و اخلاقی تقسیم نمود. کارکردهای روان‌شناختی ازدواج در سه جهت شناختی، گرایشی و رفتاری قابل بررسی است. شهید مطهری در کتاب انسانی‌شناسی قرآن به کارکردهای روان‌شناختی ازدواج اشاره می‌کند؛ قرآن کریم در رابطه با جهت‌شناختی و گرایشی به اثری مهم برای ازدواج می‌پردازد که ایجاد آرامش و طمأنینه در روان زن و مرد است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (مطهری، ۱۳۹۳: ۲۳۵). دنیای روانی زن و مردی که از ازدواج کردن طفره می‌روند استعداد زیادی برای دچار شدن به نگرانی، اضطراب، افکار وسواسی و بدبینی دارد؛ بنابراین اثر مهم ازدواج در نظام روانی انسان ایجاد آرامش و طمأنینه است.

امنیت و آرامش روانی در افراد جامعه از کارکردهای جامعه‌شناسی ازدواج است؛ شهید مطهری در این‌باره می‌گوید: «در هر جامعه‌ای که روابط زن و مرد بر اساس عفاف بود- عفاف در همین حدود اسلامی که عرض می‌کنم- یعنی زنان در خارج دایره و کادر ازدواج، خودآرا و خودنما نبودند و وسیله تهییج مردان را فراهم نکردند و مردان هم در خارج از دایره ازدواج دنبال لذت‌جویی و کام‌جویی به‌وسیله چشم، دست، لامسه و غیر لامسه نبودند قلب‌ها و روح‌ها آرام و سالم است، و در هر جامعه‌ای که برعکس [این حالت] است اولین ناراحتی اجتماعی، ناراحتی‌های روانی است» (مطهری، ۱۳۹۶: ۹۷/۴).

کارکردهای اخلاقی ازدواج از منظر شهید مطهری از اهمیت والایی برخوردار هستند. ازدواج بستری برای ساخته‌شدن اخلاقی و تهذیب نفس در انسان‌ها را ایجاد می‌کند؛ ایشان در این‌باره می‌گوید: «زندگی خانوادگی یک کلاس است که هر فردی باید این کلاس را ببیند و در این

کلاس متخصص شود؛ زیرا مسئله این است که خداوند در دل انسان یک ذخیره‌هایی از محبت قرار داده که بایستی انسان همسر داشته باشد و فرزند داشته باشد تا آن محبت‌ها را نثار آنها کند و اگر ازدواج نکند این ذخیره‌ها از راهی دیگر می‌خواهد مصرف شود و لذا از راه اصلی‌اش منحرف می‌شود. البته این انحراف از راه اصلی، در بین مردان زاهد و عابد و خداپرست به خرابی نمی‌رود و به ننگ منجر نمی‌شود؛ بلکه این چشمه‌های محبت که بایستی نثار زن و فرزند شود یک مرتبه متوجه چیزهای دیگری می‌شود» (مطهری، ۱۳۹۹: ۴۴-۴۵). مباحث اخلاقی همچون حیاء زن، غیرت مرد، عفاف و وفاداری زن نسبت به شوهر، ستر عورت، ستر بدن زن از غیرمحارم، منع زنا، منع تمتع نظری و لمسی از غیرهمسر قانونی، منع ازدواج با محارم، منع نزدیکی با زن در ایام عادت، منع نشر صور قبیحه، تقدس یا پلیدی مجرد از آثار و پیامدهای ازدواج محسوب می‌شوند؛ بنابراین در بستر ازدواج زن و مرد می‌توانند ویژگی‌های شایسته را در خود نهادینه و زشتی‌ها و ردائیل اخلاقی خویش را شناسایی و درمان کنند.

ملاک‌های ازدواج

ملاک‌های ازدواج برای دختران و پسران در پژوهش‌های روان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته است (یزدانی، شفیع آبادی، و حیدری، ۲۰۲۰)؛ ملاک‌های مطرح شده از طرف دختران و پسران عبارتند از: ۱. ملاک ظاهری و فیزیکی؛ ۲. تحصیلات؛ ۳. اقتصادی و شغل؛ ۴. جایگاه اجتماعی و فرهنگی؛ ۵. مذهب؛ ۶. شخصیت و اخلاق؛ ۷. رضایت خانواده؛ ۸. عشق؛ ۹. علایق مشترک؛ ۱۰. سن (بهشتیان، ۱۳۹۵)؛ پژوهش‌های صورت گرفته به معیارهای عمومی دختران و پسران در جامعه آماری مشخص پرداخته ولی سوال مهم آن است که آیا نگاه فعلی و ملاک‌های موجود در منظومه فکری اسلام نیز مورد توجهند یا نه؟ شهید مطهری در کتاب آشنایی با قرآن تنها یک ملاک اصلی مطرح کرده و بقیه معیارها را غیر ضرور می‌داند؛ ایشان در این باره چنین می‌گوید: «قبل از اسلام شأنیت اجتماعی معتبر بود؛ اگر دختر از طبقه اشراف بود پسر از طبقه پایین‌تر یا برعکس، می‌گفتند این ازدواج درست نیست چون اینها کفو یکدیگر نیستند. اسلام فرمود: «الْمُؤْمِنُ كَفُوَ الْمُؤْمِنَةِ؛ تنها مرد مومن شایسته و متناسب با زن مومن است». همین قدر که دو نفر مؤمن شدند کفو و هم‌شأن یکدیگر هستند»؛ بنابراین ملاک لازم برای ازدواج از دیدگاه شهید مطهری ایمان است؛ البته اثبات شیئی نفی ماعدا نمی‌کند و وجود ملاک‌های دیگر از دیدگاه ایشان به طور کلی منتفی نمی‌شوند.

تناسب و کفویت

تناسب و هم‌کفو بودن دختر و پسر در ازدواج مسئله‌ای مهم از نظر آموزه‌های دینی است. «کفو» یعنی هم‌تا، هم‌شأن، همدوش، هم پایه. دو موجود هم‌شأن را کفو می‌گویند (مطهری، ۱۳۹۶: ۲۸۹/۱۴). همتایی و هماهنگی در یک جهت ضروری و واجب است؛ شهید مطهری با استناد به روایت «الْمُؤْمِنُ كَفُوَ الْمُؤْمِنَةِ؛ تنها مومن هم‌کفو زن مومن است» ایمان را تنها شرط تناسب زن و مرد برای ازدواج می‌داند و سایر موارد همچون شئون اجتماعی و اقتصادی را

مربوط به قبل از اسلام دانسته که بوسیله اسلام منتفی شده اند؛ ایشان در ادامه حکایتی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را نقل می کند که حضرت یکی از اصحاب را به نام «جویر» که فردی کم برخوردار از جهات مالی، اجتماعی و زیبایی بود به خواستگاری دختر یکی از سرشناسان مدینه که از نظر مال و جایگاه اجتماعی مرتبه بالایی داشت، فرستاد و چنین فرمود: «جویر! خداوند به سبب اسلام ارزشها را تغییر داد، بهای بسیار چیزها را که در سابق پایین بود بالا برد و بهای بسیار چیزها که در گذشته بالا بود پایین آورد، بسیاری از افراد در نظام غلط جاهلیت محترم بودند و اسلام آنها را سرنگون کرد و از اعتبار انداخت، بسیاری در جاهلیت حقیر و بی ارزش بودند و اسلام آنها را بلند کرد؛ «فَالنَّاسُ الْيَوْمَ كُلُّهُمْ أَيْبُؤُهُمْ وَ أَسْوَدُهُمْ وَ قُرْشِيُّهُمْ وَ غَرَبِيُّهُمْ وَ عَجْمِيُّهُمْ مِنْ آدَمَ وَ إِنَّ آدَمَ خَلَقَهُ اللهُ مِنْ طِينٍ» امروز مردم همان طور شناخته می شوند که هستند. اسلام به آن چشم به همه نگاه می کند که سفید و سیاه و قرشی و غیرقرشی و عرب و عجم، همه فرزندان آدمند و آدم هم از خاک آفریده شده. ای جویر! محبوبترین مردم در نزد خدا کسی است که مطیع تر باشد نسبت به امر خدا و هیچکس از مسلمین مهاجر و انصار که در خانه های خود هستند و زندگی می کنند بر تو برتری ندارند مگر به میزان و مقیاس تقوا» (کلینی، ۱۳۶۳: ۳۳۹/۵).

شرایط ازدواج

در شریعت اسلام، تحقق ازدواج متوقف بر شرایطی است؛ نخست: اختلاف جنسیت؛ فقط ازدواج زن و مرد در شریعت اسلام پذیرفته شده است (مطهری، ۱۳۹۲: ب: ۱۱۹/۳؛ مطهری، ۱۳۹۶: ۱۶/۴)؛ دوم: اسلام؛ ازدواج مسلمان با غیر مسلمان صحیح نیست (مطهری، ۱۳۹۶: ۲۴۹/۶)؛ سوم: رضایت قلبی؛ در صورتی که یکی از زن و مرد نسبت به ازدواج رضایت نداشته باشند و اکراه یا اجباری در کار باشد، ازدواج صحیح نیست؛ چهارم: ایجاب و قبول لفظی؛ پنجم: اهلیت داشتن دختر و پسر برای ازدواج در جهاتی همچون بلوغ (سن)، سلامت عقلی، رشید بودن و رضایت پدر برای دختر باکره (مطهری، ۱۳۸۵: ۸۱-۸۲).

مهریه

از دیدگاه شهید مطهری مهر در ثمن بهره‌وری از زن نیست؛ بلکه از احساسات رقیق و عطوفت آمیز مرد ناشی می شود و در حقیقت تدبیری است از ناحیه پروردگار برای بالابردن ارزش زن و قراردادن او در سطح عالی تری. مهر به زن شخصیت می دهد و ارزش معنوی آن برای زن بیش از ارزش مادی آن است. تعبیر قرآن کریم از مهر به «صَدَقَةٌ» تعبیری لطیف و بی نظیر است؛ «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» و مهر زنان را به عنوان هدیه‌ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید» (نساء: ۴)؛ صدقه از ماده صدق است و بدان جهت به مهر صدق یا صدقه گفته می شود که نشانه راستین بودن علاقه مرد است؛ همچنین ملحق کردن ضمیر (هُنَّ) به این کلمه نشان از این است که مهریه به خود زن تعلق دارد نه به پدر و مادر؛ مهر، مزد بزرگ کردن و شیردادن و نان

دادن به او نیست؛ همچنین کلمه «نحله» بر این دلالت می‌کند که مهر هیچ عنوانی جز عنوان تقدیمی، پیشکشی، عطیه و هدیه ندارد (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۸۶).

از اصول مسلم در دین اسلام، این است که مرد حقی نسبت به مال زن و کار زن ندارد؛ نه می‌تواند به او فرمان دهد که برای من فلان کار را بکن و نه اگر زن کاری کرد که به موجب آن کار ثروتی به دست آورد، به مرد تعلق می‌گیرد. مرد هیچ حقی در تصرف بدون رضای زن در آن ثروت ندارد و از این جهت، زن و مرد وضع مساوی دارند. در اروپای مسیحی تا اوایل قرن بیستم رسمی رواج داشت که زن شوهردار از نظر مالی و در معاملات و روابط حقوقی خود تحت قیمومیت شوهر بود و در انجام معاملات خود، استقلال و آزادی کامل نداشت؛ در حالی که اسلام قرن‌ها پیش به زن، استقلال، آزادی و مالکیت تام در اموال خویش را داده بود. مهر نیز تحت مالکیت تام زن قرار دارد؛ البته وجود مهر به خاطر این نیست که مرد در طول زندگی از وجود زن بهره می‌برد؛ بلکه همان‌طور که گفته شد مهر از نظر اسلام یک هدیه به زن است و فلسفه خاص خودش را دارد (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۸۹).

فلسفه مهر همین است که مرد فراموش نکند که طالب، عاشق و خواستگار بوده؛ یعنی زن، مظهر استغنا و بی‌نیازی و به نوعی در جایگاه معشوق قرار دارد و مرد، مظهر نیاز و ابراز کننده عشق است؛ در این حال مرد باید چیزی را به زن عطا کند تا به این عنوان رضایت او را به خود جلب کند؛ نه اینکه مرد خودش را طالب و خواستگار نشان دهد؛ ولی هیچ جلوه‌ای از طلب نشان ندهد؛ بنابراین مهر بهای اظهار عشق و مودت از طرف مرد به زن است (مطهری، ۱۳۹۸: ۸۷).

در دوران جاهلیت رسومی مربوط به مهر بود که اسلام آن‌ها منسوخ نمود؛ نخست اینکه در جاهلیت، پدران و مادران مهر را به عنوان حق‌الزحمه و «شیربها» حق خود می‌دانستند؛ در تفسیر کشاف آمده که وقتی دختری برای یکی از آنها متولد می‌شد؛ چنین به او تبریک گفته می‌شد که: «هَنِيئاً لَكَ التَّافِيحَةُ؛ این مایه افزایش ثروت، تو را گوارا باد» کنایه از اینکه بعداً این دختر را شوهر می‌دهی و مهر دریافت می‌داری. در جاهلیت، پدران و در نبودن آنها برادران، چون از طرفی برای خود حق ولایت و قیمومت قائل بودند و دختر را به اراده خودشان شوهر می‌دادند نه به اراده خود او، و از طرف دیگر مهر دختر را متعلق به خود می‌دانستند نه به دختر، دختران را معاوضه می‌کردند به این نحو که مردی به مرد دیگر می‌گفت که من دختر یا خواهرم را به عقد تو در می‌آورم که در عوض دختر یا خواهر تو زن من باشد و او هم قبول می‌کرد. به این ترتیب هر یک از دو دختر مهر دیگری به شمار می‌رفت و به پدر یا برادر دیگری تعلق می‌گرفت. این نوع نکاح را نکاح «شِغَار» می‌نامیدند. اسلام این رسم را منسوخ کرد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «لَا شِغَارَ فِي الْأِسْلَامِ» یعنی در اسلام معاوضه دختر یا خواهر ممنوع است (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۸۸).

دومین رسمی که اسلام منسوخ نموده آیین کارکردن داماد برای پدرزن است؛ کارکردن داماد برای پدرزن تنها از این جهت نبوده که پدران می‌خواستند از ناحیه دختران خود بهره‌ای برده باشند؛ علل و ریشه‌های دیگر نیز داشته است که احیاناً لازمه آن مرحله از تمدن، بوده است و در حد خود ظالمانه هم نبوده است. به‌رحال چنین رسمی قطعاً در دنیای قدیم وجود داشته است؛ داستان موسی و شعیب که در قرآن کریم آمده از وجود چنین رسمی حکایت می‌کند. حضرت موسی در حالی که از مصر فرار می‌کرد وقتی که به سر چاه «مدین» رسید، به حالت دختران شعیب که در کناری با گوسفندان خویش ایستاده بودند و کسی رعایت حال آنها را نمی‌کرد، رحمت آورد و برای گوسفندان آنها آب‌کشی کرد. دختران پس از مراجعت نزد پدر، جریان روز را برای پدر نقل کردند و او یکی از آنها را پی موسی فرستاد و او را به خانه خویش دعوت کرد. پس از آشناسدن با یکدیگر، روزی شعیب به موسی گفت: من می‌خواهم یکی از دو دختر خود را به ازدواج تو درآورم به این شرط که تو هشت سال برای من کار کنی و اگر دل خودت خواست دو سال دیگر هم اضافه کن، ده سال برای من کار کن. موسی قبول کرد و به این ترتیب موسی داماد شعیب شد. این چنین رسمی در آن زمان بوده و ریشه در دو چیز دارد: اول نبودن ثروت؛ دوم، رسم جهاز دادن. جامعه‌شناسان معتقدند که رسم جهاز دادن به دختر از طرف پدر، یکی از رسوم و سنن کهن است. پدر برای اینکه بتواند جهاز برای دختر خود فراهم کند داماد را اجیر خود می‌کرد و یا از او پولی دریافت می‌کرد. عملاً آنچه پدر از داماد می‌گرفت به نفع دختر و برای دختر بوده است؛ به‌رحال در اسلام این آیین منسوخ شد و پدرزن حق ندارد مهر را مال خود بداند، هر چند هدف و منظورش این باشد که آن را صرف و خرج دختر کند (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۸۸).

سومین رسمی که در اسلام منسوخ شده، ارث زوجیت است. اگر کسی از دنیا می‌رفت، وارثان او از قبیل فرزندان و برادران همان‌طور که ثروت او را به ارث می‌بردند، همسری زن او را نیز به ارث می‌بردند. پس از مردن شخص، پسر یا برادر میت حق همسری میت را باقی می‌پنداشت و خود را مختار می‌دانست که زن او را به دیگری تزویج کند و مهر را خودش بگیرد و یا او را بدون مهر جدیدی و به‌موجب همان مهری که میت قبلاً پرداخته زن خود قرار دهد. قرآن کریم رسم ارث زوجیت را منسوخ کرد، فرمود: «یا ایها الذین آمنوا لا یحلّ لکم ان ترثوا النساء کرهاً؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای شما حلال نیست که زنان را به‌اکراه ارث برید» (نساء ۴): (۱۹).

چهارمین مورد که در اسلام منسوخ شده، فشار و اذیت مرد برای بخشش مهر توسط زن است؛ در قرآن کریم آمده: «وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ؛ و آنان را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را به آنان داده‌اید [از چنگشان به در] برید» (نساء ۴): (19). مورد دیگر این است که مردی با زنی ازدواج می‌کرد و برای او احیاناً مهر سنگینی قرار می‌داد. اما همین‌که از او سیر می‌شد و هوای تجدید عروسی به سرش می‌زد، زن بیچاره را متهم به فحشا می‌کرد و

حیثیت او را لکه‌دار می‌کرد و چنین وانمود می‌کرد که این زن از اول شایستگی همسری مرا نداشته و ازدواج باید فسخ شود و من مه‌ری که داده‌ام باید پس بگیرم. قرآن کریم این رسم را نیز منسوخ کرد و جلوی آن را گرفت (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۸۹).

خواستگاری

رسم خواستگاری تدبیری ظریف و عاقلانه برای حفظ حیثیت و احترام زن است (مطهری، ۱۳۸۵: ۴۰). خواستگاری اولین حرکت رسمی برای شناخت و تعامل دختر و پسر و خانواده ایشان به منظور ازدواج است. از دیرباز چنین بوده که مردان به عنوان خواستگاری نزد زنان رفته و از آنها تقاضای همسری می‌کردند و همین عامل مهمی در حفظ جایگاه و احترام زن بوده است. در نظام آفرینش، مرد مظهر طلب، عشق و تقاضا آفریده شده است و زن، مظهر مطلوب بودن و معشوق بودن. دست هستی بخش، زن را گل و مرد را بلبل، زن را شمع و مرد را پروانه قرار داده است. از تدابیر حکیمانه و شاهکارهای خلقت همین غریزه نیازمندی مرد و ناز و جلوه زن است (مطهری، ۱۳۸۵: ۳۸)؛ بنابراین خواستگاری مرد از زن دقیقاً مطابق فطرت و نوع آفرینش هر دوی آن هاست.

ازدواج موقت

اجازه اسلام نسبت به ازدواج موقت به جهت تنوع طلبی و شهوت‌رانی عده‌ای نیست؛ بلکه برای مبارزه با فحشا و حفظ عفت کسانی است که زمینه ازدواج دائم برایشان فراهم نیست و آن‌ها از افتادن در ورطه کمونیسیم جنسی حفظ می‌کند. ازدواج موقت، نوعی ازدواج با تعهدهایی آزادتر و توافقی‌تر است؛ مثلاً می‌تواند بدون جلب رضایت طرف مقابل از بچه‌دار شدن امتناع کند؛ درحالی‌که در ازدواج دائم امکان امتناع بدون رضایت طرف مقابل نیست (مطهری، ۱۳۹۶: ۷۵/۴).

از قوانین درخشان اسلام در مذهب جعفری وجود ازدواج موقت در کنار ازدواج دائم است. ازدواج موقت و دائم بنیان مشترکی دارند؛ ولی در پاره‌ای از آثار با هم متفاوت‌اند. تفاوت آن دو از زمان دار بودن ازدواج موقت شروع می‌شود. دیگر اینکه از لحاظ شرایط، ازدواج موقت دارای آزادی بیشتری است؛ به طور نمونه در ازدواج دائم، خواه‌ناخواه مرد باید عهده‌دار مخارج روزانه، لباس، مسکن و احتیاجات دیگر زن از قبیل دارو و طبیب بشود؛ ولی در ازدواج موقت بستگی به توافق دو طرف دارد و یا اینکه در ازدواج دائم، زن به طور طبیعی باید مرد را به‌عنوان رئیس خانواده بپذیرد و امر او را در حدود مصالح خانواده اطاعت کند؛ اما در ازدواج موقت به توافق آن دو وابسته است. در ازدواج دائم، زن و شوهر خواه‌ناخواه از یکدیگر ارث می‌برند؛ اما در ازدواج موقت ارثی در کار نیست؛ بنابراین تفاوت اصلی ازدواج موقت با ازدواج دائم در این است که ازدواج موقت از لحاظ حدود و قیود «آزاد» است؛ یعنی به اراده و قرارداد طرفین وابسته است (مطهری، ۱۳۸۵: ۴۸).

شهید مطهری با اشاره به نظریه راسل به نقد دیدگاه غربی در این باره می‌پردازد؛ برتراند راسل فیلسوف معروف انگلیسی در کتاب زناشویی و اخلاق می‌گوید: «... در واقع اگر درست بیندیشیم پی می‌بریم که زنان فاحشه، معصومیت کانون خانوادگی و پاکی زنان و دختران ما را حفظ می‌کنند. هنگامی که این عقیده را لکی در بحبوحه عصر ویکتوریا ابراز کرد، اخلاقیون سخت آزرده شدند بی‌آنکه خود علت آن را بدانند، اما هرگز نتوانستند خطای عقیده لکی را به ثبوت رسانند. زبان حال اخلاقیون مزبور با تمام منطق‌شان این است که «اگر مردم از تعلیمات ما پیروی می‌کردند دیگر فحشا وجود نمی‌داشت» اما ایشان به‌خوبی می‌دانند که کسی توجه به حرفشان نمی‌کند» (مطهری، ۱۳۸۵: ۵۱)؛ راسل وجود زنان فاحشه را به نفع حفظ عموم خانواده‌ها در جامعه می‌داند.

شهید مطهری در ادامه به نظریه «ازدواج رفاقتی» راسل اشاره می‌کند و با وجود تفاوت‌هایی که در آن با ازدواج موقت اسلام است به نقطه مشترک که همان نیاز جامعه برای مصون بودن از فساد است، اشاره می‌کند؛ «متفکرانی مانند لیندزی و راسل به این نکته پی برده‌اند که تنها ازدواج دائم و عادی برای همه احتیاجات اجتماع کافی نیست» (مطهری، ۱۳۸۵: ۵۱)؛ راسل در این باره می‌گوید: «قاضی لیندزی که سالیان متمادی مأمور دادگاه دنور بوده و در این مقام فرصت مشاهده حقایق زیادی داشته پیشنهاد می‌کند که ترتیبی به نام «ازدواج رفاقتی» داده شود. متأسفانه پست رسمی خود را (در امریکا) از دست داد، زیرا مشاهده شد که او بیش از ایجاد حس گناهکاری در فکر سعادت جوانان است. برای عزل او کاتولیک‌ها و فرقه ضد سیاه پوستان از بذل مساعی خودداری نکردند. پیشنهاد ازدواج رفاقتی را یک محافظه کار خردمند داده است و منظور از آن ایجاد ثباتی در روابط جنسی است. لیندزی متوجه شده که اشکال اساسی در ازدواج فقدان پول است. ضرورت پول فقط از لحاظ اطفال احتمالی نیست، بلکه از این لحاظ است که تأمین معیشت از جانب زن برآورده نیست. و به این ترتیب نتیجه می‌گیرد که جوانان باید مبادرت به ازدواج رفاقتی کنند که از سه لحاظ با ازدواج عادی متفاوت است: اولاً منظور از ازدواج تولید نسل نخواهد بود. ثانیاً مادام که زن جوان فرزندی نیاورده و حامله نشده طلاق با رضایت طرفین میسر خواهد بود. ثالثاً زن در صورت طلاق مستحق کمک خرجی برای خوراک خواهد بود... من هیچ تردیدی در مؤثر بودن پیشنهادات لیندزی ندارم و اگر قانون آن را می‌پذیرفت تأثیر زیادی در بهبود اخلاق می‌کرد» (مطهری، ۱۳۸۵: ۵۱).

شهید مطهری در اثبات دیدگاه شیعه در مورد ازدواج موقت، به شبهاتی پیرامون آن پاسخ می‌دهد که برخی در اینجا مطرح می‌شوند؛ نخست اینکه «پایه ازدواج باید بر دوام باشد». ایشان در پاسخ به این شبهه می‌نویسد: «اینکه پایه ازدواج باید بر دوام باشد، بسیار مطلب درستی است؛ ولی این ایراد وقتی وارد است که بخواهیم ازدواج موقت را جانشین ازدواج دائم کنیم و ازدواج دائم را منسوخ نماییم. ازدواج موقت از آن جهت تشریح شده است که ازدواج دائم به‌تنهایی قادر نبوده است که در همه شرایط و احوال رفع احتیاجات بشر را بکند و انحصار به

ازدواج دائم مستلزم این بوده است که افراد یا به رهبانیت موقت مکلف گردند و یا در ورطه کمونیسیم جنسی غرق شوند. بدیهی است که هیچ پسر یا دختری آنجا که برایش زمینه یک زناشویی دائم و همیشگی فراهم است خود را با یک امر موقتی سرگرم نمی‌کند» (مطهری، ۱۳۸۵: ۵۵).

دوم اینکه ازدواج موقت از طرف زنان و دختران شیعه ایرانی مورد استقبال واقع نشده است و آن را نوعی تحقیر برای خود می‌دانند؛ پس افکار عمومی خود مردم شیعه نیز آن را طرد می‌کند. ایشان در جواب می‌نویسد: اولاً منفور بودن ازدواج موقت در میان زنان نتیجه سوء استفاده‌هایی است که مردان هوسران در این زمینه کرده‌اند و قانون باید جلو آنها را بگیرد. ثانیاً انتظار اینکه ازدواج موقت به اندازه ازدواج دائم استقبال شود، انتظار بیجا و غلطی است. سوم اینکه ازدواج موقت بر خلاف حیثیت و احترام زن است و به نوعی کرایه‌دادن آدم و جواز شرعی آدم‌فروشی است. جواب اینکه اولاً ازدواج موقت با بیان اسلام چه ربطی به اجاره و کرایه دارد و آیا محدودیت مدت ازدواج موجب می‌شود که از صورت ازدواج خارج و شکل اجاره و کرایه به خود بگیرد؟ آیا چون حتماً باید مهر معین و قطعی داشته باشد کرایه و اجاره است؟ که اگر بدون مهر بود و مرد چیزی نثار زن نکرد، زن حیثیت انسانی خود را باز یافته است؟ ثانیاً از چه زمانی کرایه آدم منسوخ شده است؟ تمام خیاط‌ها و باربرها، تمام پزشک‌ها و کارشناس‌ها، تمام کارمندان دولت از نخست‌وزیر گرفته تا کارمند دون رتبه، تمام کارگران کارخانه‌ها آدم‌های کرایه‌ای هستند. ثالثاً زنی که به اختیار و اراده خود با مرد به خصوصی عقد ازدواج موقت می‌بندد آدم کرایه‌ای نیست و کاری بر خلاف حیثیت و شرافت انسانی نکرده است (مطهری، ۱۳۸۵: ۵۶).

نتیجه‌گیری

شناخت موضوعات مربوط به ازدواج از نگاه شهید مطهری، مبانی مهمی در دانش مشاوره اسلامی را شکل می‌دهد؛ براین اساس مهمترین یافته‌های پژوهش حاضر بدین قرارند:

۱. از دیدگاه شهید مطهری ازدواج پیمانی است میان زن و مرد در جهت قبول کردن یک سلسله تعهدات و مسئولیت‌ها؛ از این رو مؤلفه‌هایی که به‌عنوان مبنا در دانش مشاوره اسلامی از ازدواج مورد توجه قرار می‌گیرد، بدین قرار است: نخست، پیمان و عهد دوطرفه از زن و مرد در اموری چون محبت، عشق، عاطفه، حمایت و برطرف کردن نیازهای جسمی و روانی؛ دوم ایجاد مسئولیت، در نگاه شهید مطهری ازدواج تعهدی مسئولیت‌آور است که بر اساس آن وظایفی اخلاقی و حقوقی برای دو طرف پدید می‌آید.

۲. ماهیت ازدواج از دیدگاه شهید مطهری مرکب از دو چیز است؛ «تکلیف و مسئولیت» و «حق بهره‌مندی». ایشان ازدواج را یک حقیقت فطری و طبیعی در مقابل یک حقیقت جعلی و قراردادی می‌داند و در نقد سخن روسو که ازدواج را یک قرارداد اجتماعی می‌داند به ابطال دیدگاه‌های مشابه قبل از زمان روسو می‌پردازد. از دیدگاه شهید مطهری ازدواج یک قرارداد اجتماعی برای برطرف کردن نیازها توسط زن و مرد نیست؛ بلکه چیزی بالاتر از قرارداد دوطرفه جهت برطرف کردن نیازهای جنسی و عاطفی است؛ علاقه انسان به همسر قانونی بسیار بالاتر از علاقه جنسی است. در حقیقت طرحی از اتحاد و یگانگی در روان زن و مرد ریخته شده که شبیه علاقه پدر به فرزند است. ازدواج واقعاً پیمان دو روح است؛ نه همکاری به‌صورت شرکت.

۳. از دیدگاه شهید مطهری ازدواج از جهات متعددی حائز اهمیت است؛ نخستین جهت حفظ هویت، حرمت، جایگاه و ارزش زن و مرد در جامعه انسانی بلکه بالاتر در نظام هستی است. دومین جهت از اهمیت ازدواج مانع شدن آن از سقوط انسان در دره فحشا و زشتی‌هاست. ازدواج مانند قلعه‌ای است که از فساد اخلاقی جلوگیری می‌کند؛ از این رو امری مقدس است. سوم اینکه ازدواج انسان را از خودخواهی، خودکامگی و خودپرستی نجات می‌دهد که اساس حرکت اخلاقی در انسان پدیدار می‌شود. چهارم این که ازدواج تشکیل یک کانون فرهنگی از نوع آموزش و پرورش نسل آینده است.

۴. علت و فلسفه ازدواج در بیان شهید مطهری در چند جهت مطرح شده است؛ نخست: تربیت روحی و رشد اخلاقی؛ دوم: حفظ نسل و تربیت و پرورش فرزندان؛ سوم: ایجاد مودت بین همسران.

۵. مهمترین کارکردهای ازدواج از دیدگاه شهید مطهری را می‌توان در سه دسته کارکردهای روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و اخلاقی تقسیم نمود. کارکرد ازدواج از نظر روان‌شناختی ایجاد آرامش وطمأنینه روانی برای همسران است. کارکرد جامعه‌شناختی ازدواج امنیت و آرامش روانی افراد تشکیل‌دهنده جامعه است و کارکرد اخلاقی ساخته شدن و تهذیب نفوس انسان‌های

- جامعه است. نتیجه و ثمره اخلاقی ازدواج پدیدآمدن موضوعاتی همچون عفت، پاکدامنی، حیا، رعایت حدود افراد و حفظ آبروی آنها در جامعه است.
۶. از دیدگاه شهید مطهری «ایمان» تنها ملاک برای ازدواج زن و مرد با همدیگر است و بقیه ملاکها غیر ضرور است.
۷. از دیدگاه شهید مطهری کفویت و تناسب اصلی و ضروری تنها در «ایمان» محقق می‌شود.
۸. از دیدگاه شهید مطهری برای ازدواج شرایط ضروری وجود دارد که عبارت‌اند از اختلاف جنسیت، اسلام، رضایت و قصد قلبی، ایجاب و قبول و اهلیت از جهات مختلف.
۹. از دیدگاه شهید مطهری مهر هدیه‌ای از جانب مرد به‌عنوان طالب و عاشق به معشوق خویش است.
۱۰. از دیدگاه شهید مطهری خواستگاری دقیقاً مطابق فطرت بوده و تدبیری ظریف و عاقلانه برای حفظ حیثیت و احترام زن است.
۱۱. در نگاه شهید مطهری اسلام برای جلوگیری از پیدایش فساد و فحشا و حفظ عفت کسانی که زمینه ازدواج دائم برایشان فراهم نیست، ازدواج موقت را قرار داده است که در تعهدهایش امکان انتخاب بیشتری برای زن و مرد وجود دارد.

منابع:

- قرآن کریم.
- اعرافی، علیرضا؛ بهشتی، محمد؛ فقیه‌هی، علی‌نقی؛ و ابو جعفری، مهدی. (۱۳۹۷). درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی: اهداف تربیت از دیدگاه اسلام. تهران: سمت.
- بهشتیان، محمد. (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های ازدواج (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ظاهری و دموگرافیک) زوج‌های در شرف ازدواج دوم با ملاک‌های آنها در ازدواج اول. جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۲۰(۷)، ۱-۲۱.
- دهخدا. (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا. تهران: روزنه.
- زینتی، علی. (۱۳۸۴). فلسفه ازدواج در اسلام و مسیحیت. مطالعات راهبردی زنان، ۲۷(۷)، ۱۹۷-۲۲۷.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵). دائرةالمعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳). الکافی (اسلامیه). (علی‌اکبر غفاری و محمد بن یعقوب کلینی). تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- مجلسی. (بی‌تا). بحار الأنوار. (محمدباقر بهبودی، عبدالرحیم ربانی شیرازی، محمدمهدی خراسان، یحیی عابدی زنجانی، عبدالزهراء علوی، و علی‌اکبر نویسنده غفاری). تهران: مؤسسه چاپ و نشر.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۲ الف). آزادی معنوی. قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۶). آشنایی با قرآن (ج ۴). ۳۶، قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۸). امدادهای غیبی در زندگی بشر. قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۳). انسان‌شناسی قرآن. قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۱). حماسه حسینی. قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۹). خانواده و اخلاق جنسی. قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۲ ب). کلیات علوم اسلامی. قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). نظام حقوق زن در اسلام. قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۸). نظام خانوادگی اسلام. قم: صدرا.
- یزدانی، فاطمه؛ شفیع آبادی، عبدالله؛ و حیدری، حسن. (۲۰۲۰). پیش‌بینی پایداری زناشویی بر اساس معیارهای همسرگزینی، مهارت‌های ارتباطی و تاب‌آوری خانواده. مطالعات اسلامی در حوزه سلامت، ۴(۱)، ۶۹-۷۸.